

مدرن‌سازی کشورهای اسلامی و چگونگی تفسیر "رنالیزم تهاجمی" ارتباطات ستراتیژیک، اطلاعات نادرست و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز ویژگی‌های مفهوم توسعه دولت و تفسیر خشن از قوانین اسلامی

مشخصات اسلام مدرن و اصول حاکمیت قانون در جامعه
پس منظر همزیستی جدایی‌ناپذیر دین و سیاست
در نظر داشت جزئیات و ظرفیت‌های حقوقی
چگونگی تولد شریعت اسلامی

واقع‌گرایی رنالیزم تهاجمی بمثابة نظریه روابط بین الملل و بخشی از مکتب نوواقع‌گرایی پنداشته میشود که نخستین بار توسط جان مرشا پرمطرح گردید. این نظریه نیز با توجه به مبنای واقع‌گرایی خودمدعیست کاشوب زدگی با انارشی بودن نظام جهانی سبب ساز رفتارها جمعی دولت‌ها در سیاست بین الملل است. این نظریه اساساً بانظریه واقع‌گرایی تدافعی که توسط کست و الزبیا شده، در تضاد می‌باشد. این نظریه با اینکه به درک و مطالعه روابط بین الملل کمک مینماید، اما هدف برخی از انتقادهای نیز قرار گرفته است. از منظر نوواقع‌گرایی تهاجمی، دولت‌ها تلاش میکنند قدرت خود را بیشینه کنند؛ زیرا افزایش قوا تنها راه اطمینان از بقا و کسب امنیت میباشد. بر بنیاد این نظر، دولت‌ها بدلیل تدوام و بقا و بمنظور تضمین امنیت خود، بدنبال رسیدن بجایگاه برتر در نظام بین الدول (هژمونی) میباشند. از دیدگاه نوواقع‌گرایی تهاجمی، نظام تک قطبی که در آن دولت هژمون از نظر قدرت اداری در فاصله زیادی از سایر دولت‌ها باشد، پایدار است، ولی در نظام چند قطبی بدلیل اینکه قدرت نسبی دولت‌ها تقریباً با هم برابر بوده و هر کدام از دولت‌ها تلاش مینمایند بجایگاه هژمون برسند، جنگ و نزاع اجتناب‌ناپذیر است. نیشته حاضر تلاشی بمنظور تحلیل بیشتر می‌باشد.

در مورد تجزیه و تحلیل فرآیندهای بیثبات‌سازی اوضاع در منطقه و نقش اسلام در امر مدرن‌سازی کشورهای اسلامی و مؤثریت عوامل یادشده بر مسایل و موارد سیاسی، این مسأله قابل‌یاددانهایی پنداشته می‌شود که کشورهای اسلامی بمفهوم وسیع کلمه و کشورهای عربی بمفهوم محدود کلمه، بنحوی از انحاء و بشکلی از اشکال، در امر نوسازی ساختارهای موجود در کشورهای یادشده، دارای ویژگی‌های متعددی میباشند. شناخت ویژگی‌ها و علل پیدایش و ظهور آنها، بدون در نظر گرفتن تأثیرات اسلام‌گرایی بمثابة یک ایدئولوژی، محیط فرهنگی، شیوه عمل و سبک زندگی غیرممکن می‌باشد. متأسفانه اسلام‌گرایی بگونه واقعی کلمه، بمثابة یک پدیده پنهان، بگونه خزنده ای همچنان بحیاطش ادامه می‌دهد. بخش نخست نیشته حاضر، به تحلیل ویژگی‌های مدرنیزاسیون در کشورهای عربی و اسلامی اختصاص یافته و در بخش بعدی با نگاهی به برخی از جنبه‌های سیاسی اسلام‌گرایی مدرن، سعی گردیده تا این واقعیت برملا گردد که اسلام‌گرایی در مقابل چه و بچه نحوه ای رفتار نموده و با رویکار آمدن اسلام‌گرایان و بقدرت رسیدن آنها چه اتفاقی می‌افتد. بنابراین، تمایز میان اسلام‌گرایان رادیکال و میانه رو بسیار مهم می‌باشد. اسلام‌گرایی معتدل میتواند بیک جناح مثبت و امیدوارکننده تبدیل شود. همه معتقدند که کاهش خطر اسلام‌گرایی رادیکال و تروریستی تنها با استفاده از زور و انجام اعمال قهریه امکان پذیر نمی‌باشد. آیا این امیدواری هم وجود دارد که اگر بتوان اسلام‌گرایی رادیکال را از اسلام‌گرایی میانه رو مجزا نمود، در اینصورت در مجموع، می‌توان اصل اسلام‌گرایی را قابل احترام تر، بازترو پذیرفتنی تر نمود. اما در مورد ویژگی‌های مدرنیزاسیون در کشورهای اسلامی، بویژه در بُعد تحلیل

نفوذ اسلام گرای و تجزیه و تحلیل برخی از جنبه های سیاسی اسلام گرای مدرن بایست خاطر نشان گردد که اسلام گرای نباید بعنوان واقعیت سطحی پنداشته شده، بلکه باید بمثابة جوهر عمیق جوامع اسلامی پذیرفته شود. اصطلاح اسلام گرای بمثابة نوعی از گنشگری اجتماعی و سیاسی بر بنیاد این ایده استوار می باشد که زندگی اجتماعی و سیاسی بر بنیاد مجموعه ای از اصول اسلامی باید رهبری و هدایت گردد، بسخن دیگر، اسلام گرایان کسانی هستند که معتقدند اسلام نقش مهمی در امر سازماندهی جامعه ای با اکثریت شهروندان مسلمان باید ایفا نماید. بسیاری ها هم چنین می پندارند که میان اسلام گرایان میانه رو و اسلام گرایان نباید تفکیک قایل گردید، چه در واقعیت امر، علیرغم تفاوت هایی بویژه در نوع نگرش در قبال تروریسم، مشارکت در حیات سیاسی و غیره، اسلام گرایان در مجموع بر بنیاد رویکردهای ایدئولوژیکی مشترکی باهم متحد گردیده اند. اما از جانب دیگر، نه تنها این رویکردها مهم پنداشته می شوند، بلکه اسلام گرایان درباره شیوه اجراء و چگونگی عملی نمودن این رویکردها نیز با موجودیت تفاوت های قابل توجهی از هم تفکیک می گردند. اسلام گرای مدرن از نگاه روشنفکر عرب، بمفهوم بازگشت به گذشته تلقی نگردیده و اصل توسل به سنت تنها نقاب و پوششی بشمار می رود که مدرنیته در بحران گسترده ایدئولوژی های جهان بآن پناه می آورد و این خود بیک امر جهانی مبدل گردیده است.

در شرایط و وضعیت کنونی و حاضر، در مورد اسلام گرای بسیار صحبت می شود. درباره سیاسی شدن اسلام دیدگاه های متفاوتی موجود می باشد. نظرات متعددی در مورد موضوع پیدایش آن، تأثیر آن بر مبارزات سیاسی داخلی دو ملت ها و زندگی بین المللی وجود دارد. اما بسیاری از محققین معتقدند که عامل اصلی و تشدید کننده سیاسی شدن اسلام، فرآیند جهانی شدن بشمار می آید کاین مهمترین عاملی است که مشکلات مرتبط با پدیده اسلام گرای را بیشتر می نماید.

بخاطر ما باشد کافزایش شدید عامل مذهبی، نقش مهمی در تفسیرهای مختلف از دنیای مدرن دارد. یکی استدلال می کند که برنامه مدرن سازی کلاسیک که بویژه در امتداد دوسده پستین تسلط داشت، رو به پایان می باشد. در روایتی دیگر، وضعیت دنیای مدرن در مفهوم "پایان تاریخ" فوکویاما تجسم یافته است. در نسخه سوم، تکمیل برنامه مدرنیسم اسیون یا انحراف از آن در ترم معروف "در مورد تضاد تمدن ها" تجلی یافته است. تمدن های غربی با تمدن های دیگر و بویژه با تمدن اسلامی در تضاد غیر قابل حلی قرار دارد. این تضاد تمدنی تحت تأثیر جنبش های سنتی، بنیادگرا، ضد مدرنیته و ضد غرب می باشند. در عین حال، مؤلفه ها دینی محوری شوند و مدل دولت - ملت مدرن را بعقب می کشد. "رادیکالیسم اسلامی"، "افراط گرای اسلامی"، "تروریست های اسلامی" و غیره، در امتداد ۲۰ - ۲۵ سال پسین وارد لغت نامه جامعه جهانی شده است. افزایش فعالیت تروریسم اسلامی، سبب تجدید علاقه بمفهوم "برخورد تمدن ها" گردید.

بخاطر ما باشد که قبل از حاکم گردیدن "طالب" ها برکشور، مبارزه میان گروه های مختلف مانع ایجاد ثبات گردیده و به مانعی در امر توسعه و تحکیم نظام یکپارچه دولتی درکشور مبدل گردید، در حالی که سنت ها و ارزش های اسلامی یاد شده نادیده گرفته شد، با توجه بوضعیت کشور، زمانی که شهروندان یک کشور از جنگ خسته و درمانده شوند، می توانند از هر نیرویی که قادر باشد نظم را بکشور باز گرداند، استقبال می نمایند. واضح گردید کاین نیروها در کشور "طالب" بودند که قول دادند آرامش را برقرار نموده و امنیت را بکشور باز گردانند.

و اما در مورد چگونگی وضعیت منحصر بفرد درکشور عزیز ما، بمنظور وضاحت بیشتر معضلات و چالش های بوجود آمده بایست با توضیحات قابل قبول، تصور روشنی از آن ارائه نمود. قابل یاددهانی پنداشته می شود که ریشه گیری و وسعت اقدامات تروریستی و درکنار آن افزایش روز افزون قاچاق مواد مخدر و اقدامات "داعش" در سرزمین و اراضی کشور ما قابل اندیشه پنداشته می شود.

با در نظر داشت واقعیت های میدانی در عرصه کارزار درگیری ها درکشور عزیز ما، برخی از دست اندرکاران امور چنین می پندارند که ایالات متحده و انگلیس تلاش می ورزند تا پای فدراسیون روسیه را به درگیری های کشور ما بکشانند. در این مقطع پرسشی باین شرح مطرح میگردد که بر بنیاد کدام معیارها، چرا مقامات امریکایی و بریتانوی به دخالت و سهمگیری گروه تروریستی "دولت اسلامی" در حمله تروریستی به تالار شهر کروکوس پافشاری می نمایند؟

یکی از جمله دانشمندان علوم سیاسی ارجنتائینی تلاش نمود تا به پرسش فوق پاسخ ارائه نماید، بنظروی، پاسخ در مورد یاد شده ساده و بسیط می باشد و آن اینکه مقامات این کشورها چندان هم بدشان نمی آید تا پای فدراسیون روسیه را به درگیری های مسلحانه در افغانستان بکشانند. بگفته بسیاری از منابع آگاه، در پس این ادعا که "داعش"

بمثنای سازمانده اصلی حمله تروریستی یادشده می باشد، "منافع متعددی" پنهان است. همچنان نباید فراموش نمود که اعضای ناتو تلاش می ورزند فدراسیون روسیه را متقاعد نمایند تا بویژه در شرایط وضعیت حاضر، در منطقه دشوار آسیای مرکزی، جبهه بازنماید. عده ای هم در غرب معتقدند که لندن و واشنگتن در مورد "اجبار مسکوبه حمله افغانستان" شرط بندی می نمایند، زیرا بگفته آنها تهاجم مسلحانه روسیه به افغانستان، جایی کاوضاع همیشه متشنج است، می تواند اصل بی ثباتی را تحریک نماید که در درازمدت برکشورهایی که وا بسته به "داعش خراسان" می باشند، (بگونه نمونه ایران و ترکیه) اثرگذار واقع خواهد گردید که وضعیت اینچنینی می تواند به توسعه اسلام گرایی رادیکال در سایر کشورهای اسلامی اثرگذار واقع گردد.

"طالب" ها درکشور عزیزما تلاش نمودند تا اسلام را درمقابل جهان غرب قرار دهند. هدف اصلی آنها این بود تا سایر کشورهای اسلامی را در یک "خلافت اسلامی" گرد هم آورند. درعین زمان، افغانستان را بمثنای مرکزچنین خلافتی پنداشته و به تبلیغ این شایعه مبادرت ورزیدند که ایجاد و پایه گذاری "امارت" در افغانستان بمثنای نخستین گام بمنظورتشکل "خلافت" محسوب می گردد، اما وضعیت و شرایط پیش آمده درکشور، مانع حل و فصل مشکل یاد شده گردید.

بخاطر بایبداشت که نهضت های اسلامی بر بنیاد نوع مؤثریت وچگونگی تأثیرگذاری آنها در حیات سیاسی - اجتماعی کشور قیمت گزاری می کردند. اما اینها میانه روهایی هستند که درعین انتقاد از چگونگی عملکردهای ساختارهای قدرت، درعین حال با آنها وارد سازش هم می شوند.

محققان با مقایسه اسلام گرایان و معتقدان واقعی، درگام نخست به ماهیت سیاسی جنبش اولی (اسلام گرایی) توجه بعمل می آورند. آنها چنین استدلال می نمایند که در واقعیت امر، اسلام گرایی یک جنبش مذهبی نمی باشد. ادعای یادشده را با تذکرا بن واقعیت توضیح می دهند که اسلام گرایان خواهان اصلاح دین نبوده بلکه خواستار تغییر نقش آن در زندگی اجتماعی می باشند. درعین حال، اسلام گرایی در واقعیت امر، نه ایدئولوژی دولت و نه سیاست های رژیم موجود را اصلن برسمیت نمی شناسد. اسلام گرایان براین باورند که نظم جهانی در واقع، موقعیت کشورهای جهان سوم بویژه کشورهای مسلمان را تضعیف می نماید، از اینرو از نگرش منفی درقبال کشورهای پیشرو حمایت و پشتیبانی بعمل می آورند.

"طالب" ها درکشور سعی بعمل آوردند تا اسلام را در مقابل جهان غرب قرار دهند. هدف اصلی آنها این بود تا همه کشورهای اسلامی را در یک خلافت اسلامی واحدی باهم متحد نمایند. درعین حال، افغانستان را مرکزچنین حاکمیتی پنداشته و به تبلیغ و اشاعه این مفکوره مبادرت ورزیدند کایجاد "امارت" در افغانستان بمثنای نخستین گام بمنظور ایجاد و پایه گذاری "خلافت" می باشد، اما وضعیت و شرایط کنونی، بخودی خود، مانع حل و فصل مشکل یادشده گردید. بخاطر باید داشت که نهضت های اسلامی بر بنیاد مؤثریت و تأثیرگذاری آنها در حیات سیاسی - اجتماعی کشور طبقه بندی می کردند. اینها میانه روهایی نیستند که درعین انتقاد از ساختارهای دولتی، با آنها سازش می نمایند.

برخی ها هم بمنظور پایان دادن به بررسی رویکردهای مختلف در تعریف اسلام گرایی، خاطر نشان می نمایند که شواهد تجربی، بگونه ای باورهای رایج را که نگرش مسلمانان در قبال اسلام سیاسی یکسان می باشد، به چالش می کشد. درواقعیت امر، دیدگاه اسلام گرایان میانه رودر مورد نقش اسلام در سیاست با حمایت از کثرت گرایی سیاسی، اعتقاد باهمیت آزادی های مدنی و نیاز به همزیستی موازین شرعی و قوانین سکولار همراه است.

در مورد برخی از ویژگی های نوسازی کشورهای اسلامی بایست متذکر گردید که در مجموع و بمفهوم وسیع کلمه، اسلام گرایی پدیده اجتماعی بسیار گسترده تر از رادیکالیسم مبتنی بر اسلام گرایی است. ویژگی های مدرنیزاسیون در کشورهای اسلامی بویژه در کشورهای عربی و اسلامی در مقایسه با سایر مناطق، دارای ویژگی های قابل توجهی می باشد.

یکشنبه ۱۹ ماه حمل سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۷ ماه اپریل سال ۲۰۲۴ ترسای